

هماهنگی قوای درونی با هم و با سایر موجودات

اگر کسی بخشهای اندیشه‌اش را به امامت عقل نظری و بخشهای انگیزه و اراده خود را به امامت عقل عملی سامان بخشد، به گونه‌ای که همه مجاری ادراکی و تحریکی او به محکمت فطری و ثمرات محکم قوای فطری به محکم‌ترین...



اگر کسی بخشهای اندیشه‌اش را به امامت عقل نظری و بخشهای انگیزه و اراده خود را به امامت عقل عملی سامان بخشد، به گونه‌ای که همه مجاری ادراکی و تحریکی او به محکمت فطری و ثمرات محکم قوای فطری به محکم‌ترین محکمت اقتدا کند، هماهنگی حقیقی بین قوای درونی برقرار می‌شود و اینجاست که روشن می‌شود چرا انسانی که به تنهایی در پیشگاه پروردگار جهانیان نماز اقامه می‌کند، به زبان جمع می‌گوید: **﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ﴾** (1).

این آیه یعنی هم حس، خیال و وهم من به امامت عقل نظری‌ام، می‌گویند که **﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ﴾** و هم شهوت و غضب و شهرت‌طلبی و همه گرایشها و خواهشهای طبیعی‌ام به امامت عقل عملی‌ام، **﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ﴾** را می‌خوانند و هم همه این ائمه درونی به امامت روح بلند انسانی‌ام، **﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ﴾** را می‌سرایند، پس متکلم مع‌الغیر «تعبد نستعین» معنای خاص خود را می‌یابد.

اگر بر اثر تفسیر انسان به انسان، قوای درونی وجود انسان هماهنگ شود، او با سایر مخلوقات نیز هماهنگ و هم‌نوا خواهد شد و چنین انسانی همان‌طور که همه **﴿آتینا طائعین﴾** (2) می‌گویند، او هم **﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ﴾** بر زبان می‌راند؛ آن‌گاه انسان با محیطزیست خود از راه صفا و وفا به سر می‌برد.

وجود مبارک رسول خدای علیّه و آله و سلم برابر کوه احد می‌فرمایند: «هذا أحد جبل یحبتنا و نحبّه» (3)؛ یعنی سلسله جبال، دوست ما هستند و ما هم دوست آنهایم، چون کوه احد مثالی بیش نیست و این سخن به آن کوه اختصاص ندارد. قهراً در پرتو چنین معرفتی، محیطزیست و زیست محیطی معنی می‌یابد و چنین انسانی، نه دریا را آلوده می‌کند و نه صحرا و کوه را از بین می‌برد: **﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ يَمَّا كَسَبْت آيِدِي النَّاسِ﴾** (4)؛ یعنی تبهکاران نه تنها خشکیها بلکه دریاها را هم آلوده ساخته‌اند.

فرموده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که «یکی از دوستان ما کوه احد است»، یعنی ما باید از آن بهره‌های صحیح ببریم: از آن خاک می‌گیریم و سنگ می‌تراشیم و اگر معدنی دارد، در اختیار ما قرار می‌دهد. کدام کوه است که در بذل معدن، امساک کند؟ درخت هم همین‌گونه است: سر همه میوه‌ها به سمت باغبان است و دم آنها به درخت وابسته است؛ یعنی درخت هم میوه‌های خود را تقدیم می‌کند و چیزی را پنهان نمی‌سازد. دریا و صحرا نیز چنین است.

اگر این هماهنگی و هم‌نواپی حاصل شود، فساد، نه در دریا و نه در صحرا پیدا می‌شود و هرگز دانش هسته‌ای برای ساختن بمب اتم صرف نمی‌شود و جهان سوم به این صورت در نمی‌آید که بیشتر انسانها زیر خط فقر زندگی کنند. نظام کاپیتال پدید نمی‌آید و نظام فاسد سوسیال ظهور نمی‌کند. همه این نابرابریها و ناهماهنگیها بر اثر آن است که هوامداران، عقل را زنجیر کرده‌اند و انسان را درست تفسیر نکرده‌اند: «و کم من عقل أسیر تحت هوی امیر» (5). اگر کسی خویشتن را درست تفسیر کند و بشناسد، مانند «خلیفة الله» با مهربانی با جامعه سخن می‌گوید و نیز کوه را از دوستان خود می‌خواند و هیچ‌گاه محیط زیست را آلوده نمی‌کند و مصداق آیه **﴿فَالْتِ إِتَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا آذِلَّةً﴾** (6) نمی‌شود و آن‌گونه نمی‌گردد که طبق بیان نورانی علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، به هر جا بنگرید، فقر غوغا کند. (7)

1.سوره فاتحه، آیه 5.

2.سوره فصلت، آیه 11.

3.بحار الأنوار، ج21، ص248.

4.سوره روم، آیه 41.

5. نهج البلاغه، حکمت 211.

6.سوره نمل، آیه 34.

7.ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 129.

تفسیر انسان به انسان، ص384-387.